ای نفوس مبارکه نامه که بجناب رحمت اللّه مرقوم شده بود…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٦٣

ای نفوس مبارکه نامه که بجناب رحمت اللّه مرقوم شده بود ملاحظه گرديد مضمون مشحون بمژده‌های گونا گون بود که محافلهای متعدّده بقوّت ايمان و ثبات بر پيمان تأسيس شده و احبّا در جوش و خروشند .

عبدالبهاء را نهايت آمال اين است که آن خطّه مبارکه که از بدايت امر بفيض نيسان رحمانی سبز و خرّم شده حال چنين گل و رياحينی انبات نمايد اين سبب سرور کلّ است .

الحمد للّه در شرق و غرب امر اللّه چنان علوّ و سموّی يافته که ابداً گمان نميرفت باين زودی رائحه مشک الهی در خاور و باختر  
منتشر گردد اين نيست مگر از عنايات کلّيّه جمال مبارک که تأييد و نصرت او پی در پی ميرسد .

و از جمله قضايای عجيبه که واقع گشته اين است که مشرق الأذکاردر قطب امريک بنيان ميگردد و بعضی نفوس از اطراف اعانه بآن معبد رحمانی ميفرستند از جمله خانم محترمی در منچسترقريب لندن باعانه برخاست .

ولی از مال دنيا چيزی نداشت چون اعانهء مالی نتوانست موی لطيف ظريفی داشت که در نهايت طراوت زينت روی او بود و شمائل تزيين ميداد موی بلند مشکبوی خود را بدست خود مقراض نمود و بمزاد داد تا فروخته گردد و قيمت آن اعانه مشرق الأذکار شود.

ملاحظه کن که در نزد نساء عزيزتر از موی با طراوت و لطافت نه آن محترمه فی الحقيقه بتمام جانفشانی قيام نمود.

هر چند اينعمل سزاوار نه و عبدالبهاءابداً بآن راضی نبود ولی چون دلالت بر نهايت جانفشانی مينمود لهذا بسيار متأثّر شد و در نزد خانمهای غرب و امريک گيسو بسيار عزيز است يعنی از جان عزيزتر است آنرا فدای مشرق الأذکار نمود .

حکايت کنند که در زمان حضرت رسول اراده مبارک تعلّق گرفت که لشکری بسمتی توجّه نمايد دادن اعانه از برای اين جهاد باحبّا تکليف شد يکی هزار شتر با بار گندم تقديم نمود يکی نصف مال خويش را تقديم کرد يکی جميع اموالش را اعانه نمود و علی هذا القياس ولی پيره زنی مقداری خرما داشت و جز آن خرما چيزی نداشت آنرا آورد و اعانه تقديم نمود حضرت رسول روحی له الفداء فرمود اين خرمای جزئی را بالای جميع اعانات بنهيد تا بر جميع اعانات تفوّق يابد اين نظر بآن بود که آن پيره زن جز آن خرمای قليل چيزی مالک نبود.

حال اين خانم محترمه متاعی جز موی مشکبوی نداشت آنرا در سبيل مشرق الأذکار فدا نمود.

ملاحظه کنيد که امر اللّه بچه درجه قوّت يافته که خانمی فرنگی گيس خويشرا فدای مشرق الأذکار نمايد.

انّ فی ذلک لعبرة لأولی الألباب.

باری من از احبّای نجف آباد نهايت سرور را دارم زيرا از بدايت امر الی الآن هميشه جانفشان بودند.

و حضرت زين المقرّبين در ايّام حيات بنفس پاک همواره در حقّ احبّای نجف آباد دعا می‌نمود و طلب تأييد و توفيق ميکرد.

الحمد للّه دعای آن بزرگوار مستجاب گشت و آثار ظاهر و آشکار \*